



ترجمه: ح. اسدپور پیرانفر

ایلیا ارنبورگ

Ilya Ehrenburg

ژوئیه ۱۹۶۸ تا اکتبر ۱۹۹۰ (تاریخات فرهنگی)

ایلیا ارنبورگ، بعنوان يك نویسنده و عضو شورای جهانی صلح، در سرتاسر گیتی شهرت یافته است. شهرت این نویسنده بویژه هنگامی عالمگیر شد که وی نه تنها در طول جنگ جهانی دوم بلکه بعد از فرونشستن خاکستر این آتش جهانسوز نیز، که اردوگاه های دوگانه علیرغم تشدید روزافزون تضاد فیما بین، برای صلح مبارزه میکردند، از کوشش بخاطر صلح بازنایستاد و آثار هوشمندانه و مؤثر وی برضد مباشران جنگ چه در مطبوعات اروپا و چه در روزنامه های امریکا همیشه مورد استقبال قرار میگرفت.

نوشتن درباره او را بسیار مشکل می یابیم. چرا که ارزیابی ارزش استثنایی نوشته های وی (و کم و زیاد نوشته های هر نویسنده دیگر) در صورتی ممکن است که انسان خود را از تاثیر کارهای روزنامه ای

او محفوظ بدارد. و در مورد ارنبورگ بخصوص چنین برهنه می شود. مشکلی که میگردد. گرچه او اصرار داشت که خود را بعنوان یک نفر شاعر، داستان نویس، و دارای ذوقیات شخصی و ذهنی قلمداد کند، ولی در واقع بین ارنبورگ هنرمند و ارنبورگ سیاستمدار مرز مشخصی وجود نداشت.

گاهی او فقط سیاستمداری بود که با اعلامیه های صرفاً سیاسی خود دنیا را زیر پا می گذاشت، سخنها می راند، مدال و جایزه می داد و قبی علیهذا. گرچه امروزه هنرمندان فارغ از امر سیاست نیستند لیکن زندگی از دو دیدگاه سیاسی و هنری دو منظر کاملاً مخفف دارد.

ارنبورگ از يك شخصیت کاملاً یگانه و مخصوص بخود برخوردار بود. این مرد باریک اندام و خسیده آهنگ که چهره ای عبوس و بیانی بر تشر و جدال آمیز داشت، قبی داشت به

حساسیت و نرمی قلب يك شاعر: حتی شاعری بسیار احساساتی. ارنبورگ هنرمند هیچیک از مسائل مهم «روز» را از قلم نمی انداخت. جنگ جهانی اول، شکستن دست و پای اقتصاد اروپا و ترمیم آن، انقلاب سوسیالیستی، بحران و تضادهای سرمایه داری، پیشرفت های فنی، جهش اقتصادی ایالات متحده، «سیاست اقتصادی جدید» جنگ بر علیه آلمان هیتلری و فاشیسم، مبارزه برای صلح - اینها و دهها موضوع دیگر از این قلم در نولهها، مقالات و داستانهای کوتاه وی مطرح می شدند: خلاصه از طرح هیچ مسئله ای که در زمان وی اهمیتی پیدا می کرد باز نمی ایستاد. توالی تم های آثار ارنبورگ فی نفسه جالب توجه است، زیرا تکامل روانی مردی را نشان می دهند که در گیر و دار نبرد دو قطب معارض در وهله اول به «خوشبختی فردی و حقوق فردی يك انسان خرده پا و سپس به ارزش های فرهنگی

فناناپذیر و سرمدی و غیره متوسل می شود .
اینسیا ارنبورگ در سلک نویسندگان
ذهن گرا است ؛ یعنی واقعیت را بسبب خاص خود
می بیند ، و فقط با حضور آموهای کتابهای مختلف
خود به عینیت می رسد . این دیدگاه فلسفی با ظهور
انگیزه های « استقلال » فرد فرهنگی ، که
مطروح جهان بیرون و دنیای دون میگشت و نیز
با ظهور اومانیسم احساساتی که مضحکه را حاجب
ماوراء قرار می داد متجم شد .

ارنبورگ (۱۹۶۸ - ۱۸۹۱) در بین
سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷ وارد صحنه ادبیات شد .
او در سال ۱۹۰۸ روسیه را ترک گفت ، چون از
طرفی با نهضت های اجتماعی مربوط بود و از
طرف دیگر یک نفر یهودی بود و یهودیها هم در
زمان حکمرانی تزاریم چاره ای جز این نداشتند .
او در پاریس منزل کرد ؛ چنانکه محیط مناسبی
برای آفرینش بین المللی بود . و از همان زمان
است که مایه های احساساتی انسان خرده پا در
شعر ارنبورگ به خودنمایی پرداخت . در اینجا
ضرورتی نمی بینم که بیش از این به زندگی او
بپردازم چراکه او خود در موجود یاداشتهای
زندگی نامه وار (اوتوبیوگرافیک) بنام « مردم ،
سالها و زندگی » (۱۹۶۵ - ۱۹۶۱) داستان
زندگی خود را بازگو کرده است .

در حدود ۱۵ کتاب از آثار ارنبورگ که
که توسط وی در دوره ۱۹۲۱ - ۱۹۲۱ در داخل
و خارج کشور چاپ شد چندان مورد توجه قرار نگرفت .
نخستین کتاب وی که توجه و علاقه کتابخوانان
را برانگیخت اثری بود بنام « چهره جنگ »
(۱۹۲۰) ، و این کتابی بود که برضد نخستین
جنگ جهانی نوشته شده بود .

کتابی که وی را در آستانه شهرت
قرارداد نوونی بود بنام « ماجراهای غریب
ژولیو ژورنیو و شاگردان او » که سال
۱۹۲۱ در بلژیک نوشته شده بود . در این
کتاب است که قدرتمندانه ترین جنبه قریحه
ارنبورگ - انتقاد طنز آلود وی از سرمایه
داری - بنحو خیره کننده ای تجلی می کند .
لکن نکته نمائند که این نقد از دیدگاه
نییهلیزم آناشستی (پوچ گرایی هرج و
مرج طلبانه) صورت میگیرد . قهرمان داستان
« محرز بزرگ » ی است ، « انسانی است
بدون اعتقاد » ، جهانگرد خانه بدوشی است
که نوعی مذهب « نییهلیزم خردمندانه » به
شاگردان خود می آموزد . (که نویسنده نیز
در میان این شاگردان قرار دارد) ،
شاگردانی که به کشورهای و ملیتها و طبقات
اجتماعی مختلف بستگی دارند و بطور کنائی
نمایشگر روندهای کلی فرهنگ بشمار میروند .

آیا در آن محیط ، محلی برای ایمان
می ماند ؟ یکی از شاگردان طرف توجه
ژورنیو سیاه پوستی است بنام آیشی Aichi
که در ارتش فرانسه میجنگد . او در هر جا
که نقش یک سرباز آلمانی را می بیند دندان

هایش را در میاورد و از آنها کردن بندی
میسازد که برگردن مجسمه « قهرمان تمدن »
میاویزد ، و بخاطر این کار دانشگاه لیسبون
به وی عنوان دکترای افتخاری اعطا می کند .
درونمایه نوول اینست که در این دنیا چیزی
جز شقاوت و بی عصمتی و پوچی و دیوانگی
بچشم نمیخورد و شعار آن اینچنین است که :
در رم رومی باش (یعنی با هر اوضاع و
احوالی ساز) ژولیو ژورنیو در اروپای
جنگ زده که محیط مناسبی برای « کشت »
بی اعتقادی و رد کلیه ارزشهای اخلاقی بود
نوشته شد .

« معلم » و شاگردانش به همه جای دنیا
سفر می کنند (سال ۱۹۲۱) باز در هیچ نقطه
جهان « چیز شگفتی » نمی بینند . در نتیجه معلم
به زندگی بی معنی و تکبیر خود پایان می دهد .
او برای این کار روش شگفتی اختیار می کند :
چکمه های تازه می پوشد و در خیابان یکی از
شهرهای کوچک اوکراین راه می افتد . با بدین
وسیله یعنی بخاطر چکمه های نو و تر و تمیزش
راهران را که در سرتاسر کشور موج می زند
اغوا کند . حین او میگرد ، و این « ژورنیو
کبیر » که « قابل تاریخ » است بدست راهران
از پا در می افتد .

« ژولیو ژورنیو » شاید در تاریخ ادبیات
بعنوان روشن کننده ترین راهنمای احساسات بعد از
جنگ در میان روشنفکران و حنتره روسیه و
اروپا برجای مانده . در این کتاب همه چیز هست :
روشنگری ، بدبینی ، طنز تند و تند ، برشم
احساساتی ، و بالاخره بی اعتنائی سبکالانه به یاس
و دلبستگی . جمع این ویژگیها صحنه ای از یک
آتش بازی رایباد می آورده که در آن ظرافت زندگی
بورژوازی اروپا و سایر جزئیات مضحکه آمیز
موج می زند ، شاید بتوان آن را اعترافی ،
پشیمانی ، و ناامیدی خطاب آورد . در این کتاب
ارنبورگ بعد از نوشتن « ژولیو ژورنیو »
یکباره به نشر روی آورد و در راهی قدم گذاشت
که مال خود او بود ، ژورنیو نویسنده در دو قطب
متعارض زمان خود بود : سرمایه داری و سوسیالیسم
غرب و روسیه . او طناب بر سر و صدای اومانیسم
احساساتی خود را بنوبت بهردو جهان آویخت و
نتایج آن را در نوولها و داستانهای متعدد خود
گرد آورد . اندیشه هایی که در باز آفرینی
تاثرات وی راهنمایش بود و نیز روش آرزویی
و ژرفانگری وی به او امکان نداد که دورنمای
آینده و نیروی مثبت تاریخ را دریابد .

آنچه او نشان داد خود واقعیت نبود بلکه
انعکاس واقعیت در آینه احساسات گرائی او بود . (۱)
در سرتیبه تمامی این کتابها کلمات زیرین
از کتاب « زندگی و مرگ نیکلای کوربوف »
قرار دارد : « مردم فقط می توانند همین باشند که
هستند ، جو جدا نیز میخواهند زندگی کنند »
تم این نوولها و داستانها همان عواطف معنوم
شخصی « سرمدی » از قبیل عشق ، اندوه ،

ملاطفت ، اعتدال نفس هستند که در فراز چیر
مجرد مفاهیم دولت و انقلاب قرار دارند . تا زنده
هستی زندگی کن ، نان گرم و مطبوع بخور ،
و در کنار بخاری لم بسده و عشق بورز ،
(نیکلای کوربوف اینچنین میفرماید) . در عالم
ارنبورگ جمیع این روشها و هدفها بانوعی فوحد
گری بر مزار انقلاب « ناکام » ، که در نظر نویسنده
« اوتوبیو » ی زیبا و تخیل انگیزی بود و همدردی
ذهن گرایانه وی را بر میانگیخت آمیخته میگرد .

کتابهایی هم که وی درباره جهان
سرمایه داری نوشته است آهنگ کاملاً دیگر گونه ای
دارند . در « ژولیو ژورنیو » ، « به D.E.
اعتنا کن » و « چگونه اروپا ویران شد » (۱۹۲۳)
تسخیر نظام سرمایه داری و ماشینی با تمجید فرهنگ
تکنیکی یکی میگرد و تمیز آنها از یکدیگر
نامعیر است .

این فرهنگ فنی نوعی مبنای استتیک
جدید جهان منجر میشود . ارنبورگ در کتاب
« هنوز میگرد » نوشت : « عم و صنعت سبک
جدیدی را بوجود آورده است و تنها در روسیه
است که موارد بیهودگی فراوان دیده میشود »
(۱۹۲۱) .

از این پس ذهن گرائی ارنبورگ سنی
گرفت ، بیانیه های وی به مقالات مجمل مبدل شد
و در کارهای او واقعیات نقش مهم خود را
بدست آورد . این گرایش از هنگامی آغاز شد که
وی به ژورنالیسم روی آور شد . مجموعه های
مقالات او درباره اروپا و کتابهای او درباره
Tomás Bata و Ivar Krenger تصویر
دادهای تازه ای از زندگی فرهنگی و اجتماعی کشور -
های بزرگ اروپای مرکزی بدست می دهد و به
زشتی تضادهای نظام موجود انگشت می نهد .

لیکن بهر صورت باید دانست که ارنبورگ
به صورت و سهولت نگرش صحیح به فرهنگ
غرب را بدست نیاورد . با « اشکهای ورم »
Werther او بنیاد گرائی تکنیکی را از ته دل
می ستاید ولی در عین حال مانند دو هامل (۲)
Duhamel به تفریط میگردید و ماشین را
مردود می شمارد و صنعت را بطور کلی مورد
اعتراض قرار می دهد .

او میگوید : « ماشینیسم ، انسانهای ماشینی
و پیشرفت فنی روز افزون همیشه می تازد . باین
صورت است که بر اثر ظهور و نزول توده
عظیم ماشینها زندگی انسان در زیر توده عظیم
ماشینها مدفون میشود . یک دوره پر زرق و برق
ولی زهر آگین و ستمکار در صحنه تاریخ پیدا
شده است . »
« در روز دوم » کتابی است که در میان
آثار او نقطه عظمی محسوب میشود . در این کتاب
ارنبورگ کاملاً واقع گراست . بتدریج سوعظمن
و نییهلیسم او رنگ باخت و او را بهدردک نیروهای
تاریخ توانا کرد . در این نوول سه تم درهم
می آمیزد : دنیای جدید ، هدفهای فرهنگ و
مبارزه بر علیه نییهلیسم .

بنظر من « در روز دوم » جزو کتابهای بسیار خوب ارنبورگ نیست من اعتراف می‌کنم که روزی از این کتاب تمجید کرده بودم . ولی اکنون آن عده از کتابهای وی را که در سالهای ۱۹۴۰ و سالهای ۱۹۵۰ نوشته‌است تحسین می‌کنم . یکی از این کتابها « سقوط پاریس » است . این کتاب مربوط است به جنگ دوم جهانی و هنگامیکه نازیها در راه تسخیر پایتخت فرانسه گام برمی‌داشتند . ارنبورگ اثبات و متقاعد می‌کند که سقوط پاریس خیلی زودتر آغاز شد ، یعنی هنگامی شروع شد که تمایل رهبران سیاسی فرانسه به تسلیم برای رهبران مونیخ ثابت شد .

نوول دیگر او بنام « در طوقان » نیز بند آوازه شد . این کتاب به بیست زبان خارجی ترجمه شد . داستان آن مربوط است به مقاومت فرانسه و مردمی که به جنبش ملحق شدند .

« موج عظیم » تصویر جامعی است از مواقع بعد از جنگ و به‌مبارزه جهانی صبح اعدا شده است . در این نوول ، مانند داستانهای متعدد دیگر توالی عظیم کاراکترها بچشم می‌خورد ، حوادث از کشوری به کشور دیگر منتقل می‌شود ، و توصیفات معلول وقایع و عواطف دیده نمی‌شود . آهنگ گامها تند است ، سبک موجز است و لحن کلام ناگهان از مضحکه به‌جبهه (ساتیر) برمیگردد و حالات روانی قهرمانهای داستان غالباً با سودجویی از روش گزارش نویسی میسر می‌گردد .

قهرمانان ارنبورگ پیوسته از سیاست حرف می‌زنند و در پی راه‌یابی مسائل سیاسی می‌کشند . این نویسنده را می‌توان بنوعی « زمان‌سنج » نامید . نوشته‌های توده‌گیر وی در زمان جنگ از تاثیر بزرگی برخوردار شد و وجهه عظیمی پذیرفت مقالات او همانند آتش توپخانه بود . کلمات قصارش تاثیر پاینده و دیرنده بجا گذاشت . جانبداری او از انسانیت فسیحانه بود . وینم او که شریفترین احساس‌های انسانها را خطاب قرار می‌داد ، به‌روح انسان استحکام می‌بخشید .

در خاطرات او بنام « مردم ، سالها و زندگی » ارنبورگ درباره ایزاک بابل ، بوریس پاسترناک و خیلی از نویسندگان دیگر که تا آن زمان ناشان در حجاب بود صحبت می‌دارد .

آنچه مسلم است اینکه کتابهای ارنبورگ در افراد مختلف احساسات مختلف برانگیخته‌است . هرکسی سیاق نوشتن او را نمی‌پذیرد مضاف‌براینکه عده زیادی لحن او را تفرعن‌آمیز می‌دانند . تاثیر وی که انسان از خاطرات او می‌پذیرد اینستکه او همیشه دست‌بالا را دارد و همیشه حق بجانب او بوده است . ارنبورگ به‌قبول برخی از اشتباهات خود تن می‌دهد ولی آنها را تصادفی قلمداد می‌کند و از آنها تحلیل تاریخی بدست نمی‌دهد . ولی بگذار از این خطاها که کم‌وزیاد برای همه‌کس پیش می‌آید بگذریم . برای ذکاوت و استعداد او و قدرت وادارنده او در حجاب قلوب عامه نظیر و بدیل نمی‌شاسیم . بویژه اینکه او این قدرت

خود را به‌خیر و صلاح همه مثل و همه تزاها بکار می‌گرفت .

(۱) مسئله اختلاف میان رئالیسم و خیال-پرستی را « از هر زبان که می‌شوم نامکراست » . رئالیسم کنکرت یا منجز را که با اشاره به واقع گرایی دوربین عکاسی مفهوم میشود کسی قبول ندارد حتی پیش‌کسوتان از رئالیسم انتقادی نیز بیشتر رفته‌اند . محک این رئالیسم انتقادی چیست؟ بی‌تردید میزان جانبداری از نبرد نیروهای مثبت و تاریخی بر علیه پس‌لیدیهای مستقر زمان ، ولی آنچه باید توجه داشت اینکه تشبیه مثبت به حقیقت و منفی به واقعیت درست نیست چراکه بلیدی تنها بخشی از واقعیت است و بخش دیگر آن را درستی تشکیل می‌دهد و تضاد ایندو در وحدت بوته واقعیت می‌شکند . بنابراین گذاشتن عقولته جداگانه حقیقت در مقابل واقعیت چه بسا که صبغه تخیل به‌گیسوی واقعیت بکشد و نفسانیات شخصی نویسنده را با گوهر ناب حقیقت درآمیزد . انمان از این حقیقت گرایش تخیل‌آمیزی را می‌زند .

(۲) جورج دهامل متولد ۱۸۸۴ نویسنده داستان‌نویس فرانسوی است که برای محافظت ارزشهای سنتی و آزادی قرون سخت می‌کوشید . در ۱۹۰۸ طیب شد . علاقه‌اش به علم و طب و موسیقی و تئاتر در نوشته‌هایش بچشم می‌خورد . او مجمعی را بوجود آورد که غرض آن تلفیق کاربردی و فکری بود اما در اینکار موفق نشد . او در جنگ اول درجه جراحی می‌کرد . دهامل از نظر فلسفی آگوستیک بین ایده‌آلیسم و عاده‌گرایی بود و فلسفه خود را به ارزشهای انسانی بویژه « تاهل » (به آن معنی که در مقاله آقای دکتر حمید تنایت در تگین دیده‌ایم) و تحویل و مهربانی بنا می‌کرد . او در پی جوانب خوب تمدن بود . میخواست در گرماگرم قالبی شدن همه‌چیز آزادی فردی را حفظ کند ، از پیشرفت فنی و مکانیکی تکران بود . سرتاسر نوشته‌هایش از شفقت ملامت‌آمیز است . بهترین کتابش « سالوین » Salavin است که کوشش مذبحانه انسانهای خرده‌بای بی‌دین و مذهب را نشان می‌دهد . او بذلگه‌گو ، غمخوار و ژرف‌انگر بود . م

